



## می بینید اینجا چقدر خالیست

نوشته: صورت کاشانی، فارغ التحصیل فاکولته ژورنالیزم

۸ جدی ۱۳۹۸ ( ۲۹ دسمبر ۲۰۱۹ )

جشن فراغتم بود، خیلی خوشحال و هیجانی بودم صبح بدون اینکه شما را بیدار کنم لوازم ام را گرفته برادم به امید اینکه شب برمیگردم و همه ی شما بی صبرانه منتظرم هستید.

محفل خلاص شد و من با یک دنیا امید برگشتم داخل لیلیه شدم سکوت همه جا را فرا گرفته بود از زینه ها بالا شدم آهسته دروازه اتاق را باز کردم و منتظر ای بودم تا همه بخیزید و مرا در آغوش بگیرید تا سر بلند کردم شمارا کنارم ندیدم، شما که هر شب با من افسانه می گفتید، شوخی میکردید و می خندیدید خیلی تنها شده بودم آنقدر گریه کردم که گویی مادری در سوگ یگانه فرزند نازش گریه میکند. ای کاش میبودید و می دیدید من چقدر با شما انس گرفته بودم که نبودن تان مرا سخت آزار میدهد. من مانده بودم و اتاق چهار دیواری با ۹ چپرکت خشک و خالی.

سر هر کدام تان نام مانده بودم و همیشه با نام و تکیه کلامی که زیاد خوشم میامد صدای تان میکردم؛

✓ **شگوفه:** شگوف مقبول و مهربانم! با شنیدن این جمله از زبانت خنده بر لبانم موج میزد(وی مو در بسته) میدانی چیست؟ گاهی این جمله را تکرار میکنم و با خودم میخندم. چقدر پشت شنیدن ای جمله از زبان تو دق شدم.

✓ **انجیلا:** انجوی بی آرایش ام! (میزنمت میمری)

✓ **کرشمه:** کشو گک کله خرابم (ننه جان)

روز هایکه پیش از شما از دانشگاه می آمدم لحظه شماری میکردم. اتاق که می آمدم بجای سلام پرسان میکردم که آیا انجو و کشو نه آمدند؟ همیشه عاشق رفتن به رستوران بودیم.

می فهمین دیروز لاجورد رفته بودم تک و تنها به هر گوشه آن نگاه میکردم شما را میدیدم به یک لحظه فکر کردم در کنارم هستید ( ۸ جدی ۱۳۹۸).

کاش می بودید و با هم می خندیدیم و قصه میکردی.

✓ **شکیلا:** شکتو: خندان روی ام (ای صوتک فهمی چیز) بهتر و خوبتر از تو ندیدم در جهان، دیوانه بخاطر همو مرض خنده ات که یگان وقت در جا های اساس میگرفتت و ماره بیاب میکدی خواستم پیش یگان ملا ببرمت. شکتو! خنده کو، آزارم بتی دیگه سرت قهر نمیشم.

✓ **انیتا:** انتو، انیت ساده و شیرینم! (لپ بیزیم خا کو چس) روز هایکه جدی میشدی خیلی زورم میداد خصوصاً ده نوکریت خیلی سخت می گرفتی. انیت میفهمی همو جدی بودن هایت هم مثل خودت شیرین بود.

✓ **نگینه:** نگین خوش قلب و با سلیقه ام (وے خذایے) عصابته خراب میکردیم، جنگ میکردی، قهر میکردی اما باز هم شوخی ها و کار های ماره نادیده می گرفتی. یادت است ده امتحان شوخی میکردیم چقدر عصابت سرما خراب شده بود، نگین قول میدهم دیگه عصابته خراب نمیکنم.

✓ **گل دولت:** گلی شوخ ام ( اه غهخبن تمه چیز جهت دسگه کنیت؟ هه! ) ده آمریکاه که بودیم و به بارک اوباما که شیر چای جور کده بودی چقدر پشت او خارج رفتن های ما دق شد.

✓ **هایره:** هایریش(اه غهخ ببس!)

✓ **زره گل:** زرو(لپ تئرتوشت!) دو شخصیت کاملاً متفاوت بی غرض، آرام اما یگان دفعه همین ها عصاب مره خراب میکنن. یاد تان است همیشه ناوقت می خیستین یا نا وقت می آمدین چقدر همراهی تان جنگ میکم عصابم سر تان خراب میشد. ناوقت بخیزین، زنگ مره جواب نئین، دیگه همراهی تان جنگ نمی کنم.

✓ **فوزیه:** فوز بی کینه و یکرنگم (به خدا مو اعصاب خراب مهک) تلیفونته همیشه بدون این و آن در اختیارم می گذاشتی، بعضی اوقات خپ و چپ به وای فایت متصل میشدم. امروز در کنارم هستی اما بعد از رفتنت سخت دلگیریت میکنم.

✓ **فرزانه:** فرزیش، خیان مهربان با درک و با احساسم (نی می شناسمت نی ایگه) مهربانتر از تو ندیده ام چقدر پشت نصحیت هایت دق شدم.

چقدر زیبا بود با شما بودن!  
ای کاش دوباره بودنم باشما تکرار شود.



